

## **Representation of History in the Events of the Imposed War in the novel "Bloody" by Mehdi Yazdani Khorram Based on the Meta-historical Perspective of Hayden Whit**

**Roghayeh Mousavi**<sup>1\*</sup>

*PhD student of Persian language and literature, Payame Noor University, Iran*

**Ayoob Moradi**<sup>2</sup>

*Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Iran*

**Behnaz Payamani**<sup>3</sup>

*Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Iran*

(Received:17/09/2020 ; Accepted:28/12/2020)

### **Abstract**

*Imagination, using the methods of realism and using text processing tools such as metaphor, metaphor, irony and irony, draws clear boundaries of the heroes created by the author's mind and real historical and even anti-hero characters. In fact, metaphors in stories deal with the representational relations of the words next to each other, and this is why the meaning is constructed in each text. In recent years, history has flowed in a special way, in narratives, stories and reports. Writing socio-historical stories simply because of the nature of history and retelling historical events as an important genre in literature can be considered a broad study of the rotation of events in a dynamic and real way. Hayden White is one of the philosophers and theorists who, in his book "Meta-History", emphasizes the inevitable fabrication of history in historical narratives. He believes in the permissible and ironic influence of the text and incorporates the author's vision and ideology into a historical work. The novel "Bloody" has become a postmodern novel due to the combination of fictional characters along with places and real characters, as well as the combination of sub-narratives along with several large narratives, which also includes some recent events of the imposed war. The purpose of this article, which is written analytically-descriptively, is to study the novel "Bloody" by Mehdi Yazdani Khoram to analyze the representation of history and society in the text of the story based on Haydn White's theory and in the end it is concluded that the relationships of real characters and places with the metaphors and irony in the story are arguments that can be purposefully configured to balance truth and imagination, and the author appropriately uses the trick of imagination alongside truth to strengthen the extent of historic events.*

**Keyword:** *Novel, Yazdani Khorram, historical representation, Imposed War, imagination, history, White.*

---

1 . \*Corresponding Author: nafisemousavi58@yahoo.com  
2 . ayoob.moradi@gmail.com  
3 . behnazpayam@yahoo.com

## بازنمایی تاریخ در حوادث جنگ تحمیلی در رمان «خون خورده» اثر «مهدی یزدانی خرم» با تکیه بر دیدگاه فرا تاریخ «هایدن وایت»

رقیه موسوی<sup>۱\*</sup>

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، ایران

ایوب مرادی<sup>۲</sup>

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، ایران

بهناز پیامی<sup>۳</sup>

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۸)

صفحات: ۶۶ - ۵۱

### چکیده

تخیل با کمک گرفتن از اسلوب‌های واقع‌گرایی و بهره‌بردن از ابزارهای پردازش متن مانند مجاز، استعاره، کنایه و آبرونی مرزهای روشنی از قهرمانان ساخته ذهن نویسنده و شخصیت‌های حقیقی تاریخی و حتی ضدقهرمان را ترسیم می‌کند. در واقع مجازها در داستان به روابط بازنمایانه واژه‌ها در کنار یکدیگر می‌پردازند و همین سبب برساخته شدن معنا در هر متن می‌گردد. در چند سال اخیر، تاریخ به شکلی خاص، در روایت‌ها، داستان‌ها و گزارش‌ها نیز به‌نوعی جریان داشته است. نوشتن داستان تاریخی - اجتماعی صرفاً به دلیل ماهیت تاریخ و بازگویی حوادث تاریخی به‌مثابه یک ژانر مهم در ادبیات، می‌تواند مطالعه وسیعی از گردش حوادث در شکلی پویا و واقعی قلمداد شود. هایدن وایت (Hayden White) از فیلسوفان و نظریه پردازانی است که با کتاب «فرا تاریخ» خود بر برساختگی بودن اجتناب‌ناپذیر تاریخ در روایت‌های تاریخی تأکید دارد. او به تأثیر مجاز و آبرونی در متن معتقد است و بینش و ایدئولوژی نویسنده را در یک اثر تاریخی دخیل می‌داند. رمان «خون خورده» به دلیل ترکیب شخصیت‌های خیالی در کنار مکان‌ها و شخصیت‌های حقیقی و همچنین ترکیب خرده‌روایت‌ها در کنار چند کلان‌روایت به یک رمان پسامدرن تبدیل شده است که برخی از حوادث اخیر جنگ تحمیلی را نیز در خود نهفته دارد. هدف از نگارش این مقاله که به روش تحلیلی - توصیفی نوشته شده، بررسی رمان «خون خورده» به قلم «مهدی یزدانی خرم» برای تحلیل بازنمایی تاریخ و اجتماع در متن داستان بر اساس نظریه هایدن وایت است و در پایان به این نتیجه رسیده است که روابط شخصیت‌ها و مکان‌های حقیقی در کنار مجازها و آبرونی که در داستان وجود دارد، ادله‌ای هستند که می‌توانند با پیکربندی هدفمند تناسب میان حقیقت و تخیل را ایجاد نمایند و نویسنده به شیوه مناسبی از شگرد تخیل در کنار حقیقت بهره برده، تا میزان تاریخی بودن وقایع را تقویت کند.

**کلمات کلیدی:** یزدانی خرم، بازنمایی تاریخی، جنگ تحمیلی، تاریخ، وایت.

۱. \* نویسنده مسئول: nafisemousavi58@yahoo.com

۲. ayoob.moradi@gmail.com

۳. behnazpayam@yahoo.com

## ۱ - مقدمه

مهدی یزدانی خرم از جمله نویسندگانی است که در آثار خود نموده‌های پست‌مدرنیسم را به شکلی منحصر به فرد و با ابزارهایی مانند خرده‌روایت‌ها و کلان‌روایت‌ها همچنین تعدد راوی نشان می‌دهد. او با زبانی تقریباً مراوده‌گونه و در عین حال کمی مبهم حالات روحی و احساسات درونی خود را با چاشنی حوادث تاریخی توأم ساخته، با استعانت از سیالیت حوادث تاریخی در کنار شخصیت‌های خیالی گفتمانی از روایت‌های نامتوازی را به نمایش می‌گذارد. داستان‌های یزدانی خرم در نتیجه تداعی‌ها، بازتاب‌های تاریخی - اجتماعی همچنین به کارگیری شگردهای زبان بلاغی مانند مجاز، استعاره، جان‌بخشی، کنایه و آیرونی در متن، اتفاق می‌افتد. داستان «خون خورده» در قلمرویی از تاریخ و حقیقت و در کنار فضاها، جامعه و شخصیت‌های تخیلی است که قرابت بسیاری با فرهنگ و درون یک جامعه مدنی دارد. جامعه‌ای که رخدادهای بزرگ مانند جنگ، انقلاب، صلح و معاهدات تاریخی را در خود نهفته است. داستان پنج برادر که هر یک به شکلی با جهان خود وداع کرده‌اند. قصه دلهره و ترس، مرگ و تصاویر خون خورده‌ای که از زبان بی‌محابای نویسنده جاری می‌شود. داستان سرخوردگی برادر اول، «ناصر سوخته»، از معیشت و زندگی خود که به جست‌وجوی زندگی بهتر و آسایش بیشتر، به همراه معشوق خود، مریم، دست‌به‌کاری عجیب می‌زند. باستان‌شناسانی که گنج خود را در دل تاریخ و در کلیسایی تاریخی جست‌وجو می‌کنند و در نهایت با مخزنی از قیر داغ مدفون می‌شوند. برادر دوم «مسعود سوخته» نیز یکی از همان پنج برادر در جبهه جنگ با بدنی بدون سر در معرکه خون هویدا می‌شود. برادر سوم «منصور سوخته»، خبرنگاری است که با عکاسی از وقایع تاریخی زندگی می‌گذراند و در پایان در لبنان جان می‌دهد. برادر دیگر «محمود سوخته» در پی عشقی نافرجام با گروه مجاهدین خلق هم‌داستان می‌شود و در آخر ردی از خود به‌جا نمی‌گذارد، اما غم‌انگیزترین قسمت داستان، روایت «طاهر سوخته» پسر کوچک «کریم سوخته» است که با یک سهل‌انگاری ساده‌دایی‌اش در سد لیتان سقوط می‌کند و داستان پنج برادر سوخته با او به فرجامی تلخ می‌انجامد. عناصر عشق و سیاست همچنین جامعه‌ای تلخ از فقر و جنگ‌زدگی، با کاویدن تاریخ در هر صفحه از کتاب، خواننده را به خوانش مشتاق‌تر می‌کند، اما اینکه یزدانی خرم با چاشنی تاریخی تمامی لحظه‌های حساس داستان را عجین می‌کند، به ذکاوت و جست‌وجوی خود نویسنده برمی‌گردد تا شاید از میان این وقایع، حقیقتی تازه را آشکار سازد. هر نویسنده‌ای که با تاریخ خود را همراه می‌سازد در پی یافتن پرتویی از هیجانات تاریخی است تا خواننده را به باور حوادث داستان مجاب سازد. تاریخی که توانسته انسان‌ها و حوادثی را خلق کند و جریان‌ات تاریخی به‌طور بی‌واسطه در نسل‌های بعدی منعکس می‌شود. شخصیت‌های برساخته یزدانی خرم همیشه نشانه‌هایی از منشأ و خاستگاه اجتماعی خود در متن داستان دارند. شاید از همین روست که در داستان‌های او با خرده‌روایت و کلان‌روایت‌های متعددی روبه‌رو می‌شویم. تخیل و تاریخ در رابطه‌ای موازی کنار یکدیگر، می‌توانند عرصه‌ای برای یک نویسنده مهیا سازند تا از درون ناخودآگاه خلاق خود و حوادثی که در طول تاریخ شنیده و آموخته است، روایتی خلق کند که آن ماجرای تاریخی را در دوره‌ای جدید بازنمایی کرده، به‌نوعی به مخاطب نشان دهد؛ گویی که هر لحظه از آن حادثه زنده شده و در حال جریان است. آنچه تخیل نویسنده برای تفکر تاریخی به ارمغان می‌آورد، مفهوم ناب خرد و اندیشه است. اندیشه‌ای که از سوی نویسنده در متن کتاب جریان یافته و به مخاطب منتقل می‌شود. نباید فراموش کرد که تاریخ در قالب فرایندی عقلانی و از سوی یک هوش جمعی سازمان‌دهی شده و با جمع‌آوری چندین ذهن خلاق به شکل خطی ترسیم می‌شود. تاریخ همه کنش‌های انسانی معنادار است که به شناخت و درک گذشته می‌پردازد. هایدن وایت<sup>۱</sup> از فیلسوفان و نظریه‌پردازانی است که با کتاب «فرا تاریخ» خود بر

.....  
1 . Hayden White

برساختگی بودن اجتناب‌ناپذیر تاریخ در روایت‌های تاریخی تأکید دارد. در واقع این کتاب الهام گرفته شده از نظریه‌های ادبی و همچنین زبان‌شناسی ساختارگراست؛ زیرا وایت در این کتاب با کمک گرفتن از مجموعه‌ای از ابزارهای فنی برای تحلیل عناصر تخیل و شاعرانگی، وقایع تاریخی را بررسی نموده است. او معتقد است که هر مؤلفی از دریچه (مجاز، استعاره و کنایه) فرایند تاریخ را در داستان به صورت عینی و واقعیت‌گونه بازسازی می‌کند. وایت مقولات خود را در چهار گروه طبقه‌بندی کرده است که به ترتیب عبارت‌اند از: ۱- مجاز (استعاره و مجاز مرسل و کنایه)؛ ۲- پیرنگ‌ریزی (رمانتیک، تراژیک، طنزآمیز و کمیک)؛ ۳- استدلال (شکل‌گرایانه، مکانیستی، اندام‌واره انگار و متن‌گرا)؛ ۴- ایدئولوژی (هرج و مرج طلبی، رادیکال، محافظه‌کار و آزادی‌خواه) (White, 1973, p. 14-18). این طبقه‌بندی نشان می‌دهد در هر پیرنگ‌ریزی و ساختار روایت‌گونه، استدلال و ایدئولوژی نهفته‌ای وجود دارد و مبین این است که مورخ نوع خاصی از واقع‌گرایی را اتخاذ می‌کند و در نهایت مشخص می‌شود که دقیقاً از کدام شیوه تاریخ‌نگارانه بهره برده است. در واقع داستان همچون پایه‌ای برای استدلال یا پیرنگ، ایفای نقش می‌کند.

*«وایت با اتکاء به تمایز کلاسیک میان تاریخ تحلیلی و تاریخ روایی معتقد بود که مورخان از واحدهای بن‌مایه‌ای خود یا به‌مثابه اجزای یک استدلال استفاده می‌کنند و یا به‌مثابه مراحل الگوهای داستانی تشخیص‌پذیر و سنتی» (white, 1973, p. 113).*

در حقیقت نویسنده در داستان تاریخی خود یک ساختار پیرنگ‌گونه‌ای بر داستان ایجاد می‌کند تا آن را به سبک خود رمزنگاری کند تا مخاطب داستان بتواند آن را به‌عنوان رمانس، تراژدی، کمدی یا طنز تشخیص دهد، اما پیرنگ چیست؟ پیرنگ منظره پرمعنای «اصل مطلب» در داستان است.

*«کوتاه‌ترین تعریفی که برای پیرنگ آورده‌اند واژه «الگو» است که خلاصه‌شده الگوی حوادث است، اما حوادث به‌خودی‌خود پیرنگ را به‌وجود نمی‌آورند، بلکه پیرنگ خط ارتباط میان حوادث را ایجاد می‌کند. از این رو پیرنگ مجموعه‌ای سازمان‌یافته وقایع است» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۶۴).*

به روایت خود «وایت» باید گفت شأن و ارزش مطالعات تاریخی لازم است تا باز تثبیت شوند؛ یعنی مطالعات تاریخی از میان روایت‌های تاریخی به‌گونه‌ای باشد که به نویسندگان و مورخان اجازه دهد تا در ره‌ایش از بار گران تاریخ مشارکت جویند و این امر از همان تحول تاریخ صورت می‌گیرد که از نسلی به نسل دیگر تغییر کرده، به شیوه دیگری بازتعریف و بازسازی می‌شود. در واقع هدف تاریخ، آشناسازی امر ناآشناست، اما نباید فراموش کرد که نویسنده تاریخی باید به تاریخ وفادار باشد و اگر در داستان، جعلی هم صورت بگیرد، نباید خارج از مدار تاریخی آن باشد. با توجه به این عدم قطعیتی که در روایات تاریخی و همچنین فراداستان‌های تاریخی دیده می‌شود، جمعی از نظریه‌پردازان از جمله پاتریشیا وو<sup>۱</sup> نیز در کتاب «فراداستان» خود این بر ساخت «واقعیت را طبق الگوی تاریخی تصدیق کرده و به شکلی فزاینده این پیوستگی گاه‌نامه‌ای تاریخ را در داستان مجاز نمی‌داند» (وو، ۱۳۹۷: ۳۷).

با توجه به شیوه‌های داستان‌نویسی تاریخی که وایت به آن اعتقاد دارد باید گفت در کنار این ابزار زبانی و خیالی که از سوی نویسنده اعمال می‌شود، این را هم باید در نظر گرفت که در هر روایتی بی‌طرفی و عینی‌بودن نویسندگان مورخ نیز زیر سؤال می‌رود و همان‌طور که وایت معتقد است نویسنده در حین نوشتن حوادث تاریخی سؤال‌هایی را در ذهن خود

1 . Patricia Waugh

2 . Waugh, P.

می‌پروراند و از بستر این پرسش‌ها حقایق را جمع‌بندی کرده، به یک نتیجه کلی در راستای تخیل خود می‌رسد. در واقع نویسنده از طریق ابزار بلاغی خود به نوعی پیرنگ ساختگی دست می‌یابد.

### ۱-۱. بیان مسأله

داستان «خون خورده» نمونه‌ای از داستان‌های پست‌مدرن است که نویسنده از طریق خرده‌روایت‌ها و تعدد راوی، به بازگویی تاریخ می‌پردازد. شخصیت تاریخی «صلاح‌الدین ایوبی»، سردار مسلمان جنگ‌های صلیبی و فاتح بیت‌المقدس، در کتاب به عنوان شخصیت نسبتاً مثبت معرفی شده است. روایت پنج برادری است که هر کدام به شکلی کشته شده‌اند و حضور پیرنگ دو روح سرگردان و شاعر آزادی‌خواه که می‌توان گفت موتیف‌های اصلی داستان‌های یزدانی خرم محسوب می‌شود، سبب ایجاد حس آشنایی برای خواننده می‌شود. نویسنده در کتاب خود از بینامتنیت و تضمین بسیار بهره برده و ارتباط شخصیت‌های داستان با محور کلی روایت، نیز رنگ تازه‌ای به این اثر بخشیده است. در این مقاله تلاش بر این است تا با ارزیابی نمودهای تاریخی در مکان‌ها و شخصیت‌های درج شده در داستان، ماهیت عمل نویسنده در نوشته تاریخی تحلیل شود و میزان مصداق وقایع حقیقی با وقایع برساخت نویسنده در یک برآورد کلی به دست آید. از آنجا که رمان «خون خورده» به حوادث جنگ تحمیلی و حواشی آن می‌پردازد، ترجیح نویسنده بر این است که مجموعه‌ای از زندگی روزمره شخصیت‌های داستان در مقابل حوادث جنگ را در این رمان بررسی کند تا میزان تأثیرپذیری فرجام هر شخصیت در داستان نسبت به مقوله جنگ آشکار گردد.

### ۱-۲. ضرورت پژوهش

از آنجا که تاریخ و بازنمایی آن در طول زمان در پویایی حافظه قومی، ملی و مذهبی نقش مؤثری دارد، این پژوهش در نظر دارد تا به کمک فرایندهای یادآوری در طول زمان از گذشته تاکنون، پیوند میان حوادث تاریخی را از دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی همچنین حوادث جنگ هشت ساله بررسی کرده، با تبیین و تفسیر زبان نویسنده در چهارچوب ابزارهای بلاغی، یک‌به‌یک میزان حقیقت و جعل تاریخ را با تکیه بر آراء «هایدن وایت» به دست آورد.

### ۱-۳. پیشینه پژوهش

استیون گرین بلیت از نظریه‌پردازانی است که ایده «فراتاریخ» هایدن وایت را در زمینه نمایشنامه و در نقد و تفسیر روابط قدرت در کتاب «جهان چگونه مدرن شد» به کار بست و در آن پیرنگ‌سازی و محور گفت‌وگو و رویارویی با تاریخ را نشان داد. در ایران از جمله پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده و به موضوع این رساله نزدیک است مقاله «فرداستان تاریخ‌نگارانه: مطالعه موردی مارمولکی که ماه را بلعید» از پیروز رضوانیان و ملک ادب پژوهی (۱۳۹۲) می‌باشد که نویسندگان در آن تحلیل داستان را بر اساس نظریه فرداستان لیندا هاجن بررسی کرده، در پایان به این نتیجه رسیده‌اند ساختار پسامدرنیستی رمان به شکل طنزآمیزی تحریف‌شده و حقایق را طور دیگری جلوه داده است. مقاله دیگری با عنوان «بررسی انتقادی بازنمایی شخصیت ابن مقفع در روایت تاریخ‌نگاری ملی گرایانه عصر پهلوی» نوشته صیامیان گرجی و حیدری‌نسب، مطالعات تاریخ فرهنگی، (۱۳۹۳) که نویسندگان در آن به شخصیت ابن مقفع در تاریخ پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بازنمایی شخصیت ابن مقفع در تاریخ به عنوان یک ایرانی وطن‌دوست و ضد عرب در سایه برنامه

تجددگرایی، هویت‌سازی و ملی‌گرایی دولت پهلوی صورت گرفته است و بر اساس همین برنامه شخصیت‌های برجسته تاریخی پیکربندی شده‌اند.

پژوهش دیگری با عنوان «داستانی کردن تاریخ در کتاب تلخیص تاریخ نیل زرنندی» نوشته جعفریان و لواسانی، پژوهش‌های علوم تاریخی، (۱۳۹۳)، نوشته شده است که نویسندگان در آن به بررسی گزارش ماجرای شب پنجم جمادی‌الاول ۱۲۶۰ اشاره می‌کنند و منابع بابتی و بهایی را در پنج محور مرتبط با ملاحسین بشروئی بررسی می‌کنند و به این نتیجه رسیده‌اند که حوادث تاریخی این کتاب با غلظتی شدید از داستان‌سرایی و تخیل نویسنده شکل گرفته است.

مقاله‌ای با عنوان «مغلطه تأثیر عاطفی در بازنمایی تاریخ، نگرشی انتقادی بر تاریخ‌نگاری شهاب‌الدین نسوی در سیرت جلال‌الدین و نفثه المصدور» نوشته عباسی و عظیمیان چشمه، متن پژوهی ادبی، (۱۳۹۵) وجود دارد که در آن نویسندگان به میزان تعصبات و دیدگاه شخصی نسوی در نوشتن نفثه المصدور و سیرت جلال‌الدین اشاره می‌کنند تا بررسی کنند که نویسنده در بازنمایی تاریخ و حقایق تاریخی به چه میزان وفادار به حقایق تاریخی بوده است.

پژوهشی دیگر با نام «تحلیل و بررسی بازنمایی تاریخ اجتماعی در رمان تاریخی بر مبنای دیدگاه جورج لاکاچ» نوشته حاتمی، پژوهش ادبیات معاصر جهان، (۱۳۹۸) به تحلیل و بررسی بازنمایی تاریخی در رمان با تکیه بر دیدگاه جورج لاکاچ پرداخته است و در پایان به این نتیجه رسیده است که در رمان تاریخی یک نگاه متأثر از فضای بدگمانی از پایین به بالا وجود دارد و به‌طور کلی در رمان تاریخی بیش از هر چیز روابط اجتماعی، زندگی روزمره مردم از جمله دهقانان، کارگران، زنان، خرده‌مالکان و بردگان دیده می‌شود.

مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی تاریخ صدر اسلام در آثار و افکار شیخ محمد الغزالی مصری» نوشته بصیری و جعفریان، پژوهش‌های علوم تاریخی، (۱۳۹۹) وجود دارد که در آن نویسندگان با مطالعه موردی آثار شیخ محمد غزالی به چگونگی بازنمایی وی از تاریخ اسلام پرداخته‌اند و در پایان به این نتیجه رسیده‌اند که وی با انتقاد از استعمار و فرزند آن شرق‌شناسی علاوه بر این که در پی نشان‌دادن اغلاط و فهم نادرست مستشرقین است به شبهات وارد شده از سوی آنان نیز پاسخ می‌دهد.

مقاله دیگری با نام «بازنمایی تاریخ صدر اسلام در جریان نوگرایی مسلمان مصر با مطالعه موردی آثار عباس محمود العقاد» نوشته بصیری، مطالعات تاریخ اسلام، (۱۳۹۹) که نویسنده در آن افکار و عقاید محمود العقاد را بررسی کرده است و در پایان به این نتیجه رسیده است که محمود العقاد با نگاه انتقادی نسبت به آثار شرق‌شناسانه در صدد نشان‌دادن نقاط انحراف این آثار برآمده است؛ هر چند که به منصفانه‌بودن بعضی از آثار اذعان دارد.

## ۲. مبانی نظری

تاریخ نقطه پیوند گذشته با بشر در جهان اجتماعی است. وجه اجتماعی جهان از منظر دیدگاه تاریخی بدان جهت اهمیت دارد که هر آنچه از تاریخ‌سازی در جهان باقی‌مانده، ساخته و پرداخته دست بشر است و همان دیدگاه هایدن وایت را مدنظر قرار می‌دهد که معتقد است:

«حوادث تاریخی و حوادث طبیعی دو مقوله متفاوت هستند. او با بررسی حادثه هلوکاست به این تفاوت می‌پردازد و اذعان دارد که حوادث طبیعی مانند زلزله، سیل و طوفان می‌تواند دنیای طبیعی را دچار تغییر کند، اما در حادثه تاریخی افراد جامعه هستند که باعث خلق تاریخ می‌شوند و تفاوت اصلی

آن را در دخالت انسان در حوادث می‌داند» (white.2014.p45).

گذشته تاریخی ساختاری است که با انتخاب طیف وسیعی از همه وقایع گذشته بشر، فضاها و خاصی از آن وقایع قابل تشخیص را که در زمان‌ها و مکان‌های خاص اتفاق افتاده‌اند؛ توصیف می‌کند. وظیفه یک نویسنده تاریخی ردیابی پیوندهایی از گذشته تا به امروز است تا بتواند از طریق حقایق و حوادث بخش عمده این پیوند را با زنجیره‌ای از علت‌های ذهنی در کنار هم قرار دهد و ماجرای جدید و برگرفته از یک گذشته تاریخی را خلق کند. بنابراین رابطه مستقیم روایت و تاریخ است که به بر ساخته شدن تاریخ توسط نویسنده تاریخی کمک می‌کند.

«ممکن است تاریخ‌نگاران فکر کنند که برخوردی عینی با رویدادهای تاریخی دارند، اما دیدگاه‌های

شخصی آن‌ها در خصوص اینکه چه چیزی درست و چه چیزی مهم و چه چیزی بی‌اهمیت است و

مانند آن در نحوه‌ای که رویدادها را تفسیر می‌کنند، بسیار تأثیر می‌گذارد» (تایسن، ۱۳۹۴: ۴۶۹).

پس در هر نقد و روایتی باید قضاوت هر نویسنده را نیز مدنظر قرار داد.

«در روایت یک داستان تاریخی حقیقی، گوینده می‌تواند برخی جزئیات را برجسته کند و برخی دیگر

را کوچک جلوه دهد؛ تا داستان تأثیر بیشتری داشته باشد» (استنفورد، ۱۳۹۲: ۳۵۲).

هایدن وایت در مقاله «مجاز در گفتمان» اذعان نموده است که «تاریخ‌نگاران در هر صورت به تأویل و تفسیر تاریخ می‌پردازند؛ زیرا همیشه حقایق زیادی وجود دارد که تاریخ‌نگاران بتوانند در روایت خود بیاورند. آن‌ها می‌توانند با پر کردن خلأهایی که در اطلاعات تاریخی خود دارند نظریات شخصی و ارتباطی خود را بگنجانند» (White.1986.p.56).

هایدن وایت از فیلسوفان ساختارگرایی است که محتوای «تئوری اثر تاریخی» را با توجه به فرم آن بررسی می‌کند. او در کتاب «فرا تاریخ» خود نظریه بنیادین خود<sup>۱</sup> مجاز را مطرح می‌کند. نظریه تاریخی هایدن وایت به شرح زیر خلاصه می‌شود:

محتوای اثر			
ایدئولوژیک	استدلال	پیرنگ	مجاز
هرج و مرج طلبی	شکل گرایانه	رمانتیک	مجاز
افراط‌گرایی	مکانیستی	تراژدی	کنایه
محافظه‌کارانه	اندام‌واره انگار	کمدی	مجاز مرسل
آزادی خواهانه	متن‌گرا	هجو	آیرونی

وایت معتقد است که تاریخ‌نگاری حرفه‌ای قابل قبول نیست؛ زیرا تمامی عقاید، یقین و اندیشه آنان در اندیشه پست‌مدرنی به شبهه و تردید می‌انجامد. در واقع پسامدرنیسم به سیر تحولات گسترده در نگرش انتقادی فلسفه، معماری، هنر، ادبیات و فرهنگ گفته می‌شود که از بطن نوگرایی و در انتقاد آن به وجود آمد. پسامدرنیسم فاقد سلسله‌مراتب مرکزی و یا اموال شخصی و دربرگیرنده پیچیدگی، تناقض، ابهام، تنوع و عدم انسجام درونی است. بنابراین واقعیت تاریخی محصول زبان مورخ است.

«فعالیت یک مورخ ممکن است در نوع خود طبیعی باشد؛ زیرا به تغییرات و تحولات طبیعی تاریخی

می‌پردازد، اما زمانی که مورخ تصمیم می‌گیرد از روش تغزلی و شاعرانه بهره ببرد، موقعیتی است که او

به رویکرد اجتماعی و سیاسی یک حادثه تاریخی می‌پردازد و دیگر نمی‌توان از او به عنوان مورخی که

1 . trope

حقایق را ارائه می‌دهد، یادکرد» (White.1973.p.4)

نباید فراموش کرد که هایدن وایت به‌عنوان یک فیلسوف «فرمالیسم» نظریه مجاز خود را مطرح کرد.

پیام اصلی فراتاریخ<sup>۱</sup> این بوده است که متن تاریخی نباید به‌عنوان یک رسانه شفاف دیده شود تا از طریق آن بتوان گذشته را مشاهده کرد، متن تاریخی چیزی نیست که ما از طریق آن نگاه کنیم، بلکه چیزی است که ما به آن نگاه می‌کنیم، به همان روشی که همیشه به نقاشی‌ها نگاه می‌کنیم، گویی که فقط پنجره‌های شفافی هستند. درست است که هم، متن تاریخی و هم نقاشی‌ها این توهم را دارند که گویی به چیزی فراتر از خود متن یا نقاشی‌ها می‌نگریم، اما باید در نظر گرفت که این به‌نوعی نمایندگی از مؤلف یا نقاش در نظر گرفته می‌شود (Doran.2013.p.73). نباید فراموش کرد که وایت از جمله فیلسوفان ساختارگرایی است که نظریه فراتاریخ خود را در چهارچوب ساختارگرایی ارائه داده است. از نظر وایت، مورخان به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروه اول کسانی هستند که به‌طور مرتب در شبکه ساختارگرایانه، شیوه‌های استدلال، مشاجره و مفاهیم ایدئولوژیک قرار می‌گیرند. گویی این مورخان در مورد شبکه ساختارگرایانه کل بوده، تصمیم گرفته‌اند که به نسخه‌های آن برای چگونگی اتصال حروفی، شیوه‌های استدلال، تباری و پیامدهای ایدئولوژیک پایبند باشند. این‌ها مورخان محکم و قانونمند، اما سرانجام بی‌علاقه نسبت به تحلیل متن هستند. کار آن‌ها ممکن است قابل‌اعتماد باشد، ولی هرگز در متن‌شان خلاقیت و ابتکاری دیده نمی‌شود. گروه دیگر، مورخانی هستند که به روش‌های غیرمنتظره و حتی ضد شهودی در شبکه ساختارگرایانه پرسه می‌زنند. وجه مهم این نظریه متاکد بر بینش تاریخی یک نویسنده تاریخی است. با توجه به نظریه «مجازانگاری» وایت باید گفت که او از میان چهار عنصر «کنایه، مجاز، مجاز مرسل و آبرونی» بیشتر از همه به کنایه و آبرونی توجه دارد. حال باید گفت که آنچه بیشتر از همه به آبرونی نزدیک است پارادوکس است که ما را آگاه می‌کند تا آشکارسازی حقیقت تاریخی و عمیق‌ترین بینش‌ها را در چاله‌ها و شکاف‌های حوادث تاریخی بیابیم که این کاملاً منطبق با دیدگاه ساختارگرایانه وایت محسوب می‌شود. وایت معتقد است که کنایه، مجازی است که پیوند ذاتی با همه علوم دارد. مهم‌ترین گروه نویسندگان که توجه وایت را جلب کرده است گروه دوم هستند که با روش‌های ضد شهودی دست به نوشته تاریخی می‌زنند، این‌ها افرادی هستند که با ابزار «آبرونی» که برگرفته از تناقض است بینش خود را در متن انعکاس می‌دهند. وایت نوع ادبی هر متنی را به چهار نوع «رمانتیک، تراژدی، کمدی و هجو» دسته‌بندی و چهار عنصر بلاغت؛ یعنی «مجاز، مجاز مرسل، کنایه و آبرونی» را در این چهار نوع بررسی کرده است. همچنین در آن چهار محتوای ضد دینی، جمهوری‌خواهی، مدرنیسم و تاریخ‌نگاری فرهنگی را می‌کاود. او از نظر ایدئولوژیکی به چهار نوع جامعه هرج‌ومرج‌طلب، افراط‌گرا، آزادی‌خواه و محافظه‌کار پرداخته است. وایت معتقد بود که هر واقعه تاریخی که در دل این جوامع اتفاق می‌افتد می‌تواند به‌عنوان یک رویداد خام تلقی گردد و بعد از آن است که

«مورخ از رهگذر الگوی بخشی به رخدادها در قالب خوشه‌های بن‌مایه‌ای، دست‌به‌کار سازمان‌دهی

مضمونی این وقایع‌نامه می‌زند و اینجاست که داستان‌ها سر برمی‌آورند. از این‌رو، داستان‌ها گزارش‌هایی

از رخدادهای تاریخی‌اند که از حیث مضمونی ترتیب یافته‌اند» (پاول، ۱۳۹۹: ۱۵۲).

روش استدلال «وایت» که بر پایه شکل‌گرایانه، مکانیستی، ارگانستی یا اندام‌واره‌انگار و متن‌گراست، این‌گونه تصور می‌شود که هدف وایت از «شکل‌گرایی» بررسی محتوا از نظر ساختار و ویژگی‌های عام و خاص درون‌متن است. در واقع بررسی ظاهر متن از نظر رنگ، درون‌مایه، صناعات زبانی در صحنه‌های داستانی است. مفهوم «اندام‌وارگی» برخورد



رویدادهای تاریخی به مثابه اجزای اندام‌واره کلیت‌های بزرگ‌تر است؛ یعنی پاره‌متن‌هایی که بخش‌هایی از یک کل بزرگ‌تر تبیین می‌شوند... اما مفهوم «مکانیستی» روایت تاریخی است که تحت قوانین حکومتی زمان و با توجه به میزان اطاعت عوامل حادثه تاریخی از قوانین کشور و حکومت شکل می‌گیرد. درک قوانین حاکم بر تاریخ و تعیین ماهیت خاص آن‌ها ممکن است در بازنمایی «آنچه اتفاق می‌افتاد» در روند تاریخی در یک مکان و زمان مشخص، کم‌وبیش برجسته باشد. در «متن‌گرایی» باید گفت که هدف از متن‌گرایی بررسی متن به‌عنوان یک ساختار و ترکیبی از همان اهداف فرمالیستی در نظر گرفته می‌شود. بدین معنا که مورخ به سازمان‌دهی متن در زمینه تاریخی و براساس وقایع حقیقی توجه می‌کند. در واقع مورخی که به متن‌گرایی متمایل است دوره‌های مختلفی از تاریخ را مطالعه نموده، با یک دیدگاه جامع و کلی از جانب خود و در چهارچوب همان واقعیت خام تاریخی، داستان خود را ارائه می‌دهد (White, 1973, p. 14-18). طبقه‌بندی دیگر وایت در بررسی تاریخی متن مربوط به ایدئولوژی است. هایدن وایت هیچ‌کدام از چهار گرایش ایدئولوژیکی را که نام‌برده است به رسمیت نمی‌شناسد. او موضع «معرفت‌شناختی» آن را در نظر می‌گیرد و آن را با واقع‌گرایی منطبق می‌سازد. هدف او از آوردن این چهار تفکر، بررسی دیدگاه مورخ در متن با توجه به این چهار ایدئولوژی است.

وایت دو نوع تاریخ‌نگاری را در کتاب خود مدنظر قرار داده است. ۱- تاریخ‌نگاری انعکاسی ۲- تاریخ‌نگاری انتقادی. این تقسیم‌بندی در امتداد تقسیم‌بندی هگل بود که هر تاریخی را از سه بخش عملی، انعکاسی و انتقادی دسته‌بندی کرده بود. تاریخ انعکاسی، تاریخی است که فاصله بین مورخ و تاریخ واقع شده را، از میان می‌برد؛ بدین معنا که مورخ سعی در بستن فاصله بین حال و گذشته دارد، اما در تاریخ‌نگاری انتقادی مورخ انتقادی، تلاش می‌کند از موضوعی که پیش رو دارد محتوای واقعی آن را استخراج کند، تا از ابتکارات خودسرانه، چندپارگی و علاقه ذهنی که در انواع قبلی تاریخ‌نگاری وجود دارد، جلوگیری نماید (White, 1973, p. 100). این پژوهش نظریات وایت را با برداشت از کتاب «فراتاریخ» به عنوان زیر دسته‌بندی کرده است:

۱. از هم‌گسیختگی حوادث تاریخی؛
۲. در هر روایت، نویسنده پیرنگ‌سازی می‌کند و گذشته به‌صورت یک روایت داستانی ساخته می‌شود؛
۳. متن داستانی دارای شخصیت‌های حقیقی و وقایع و مکان‌های حقیقی است؛
۴. در هر صورت نوشته‌های تاریخی جعل خواهند شد؛
۵. گردآمدن شخصیت‌های مختلف تاریخی که همه در یک برهه تاریخی جداگانه زندگی می‌کنند؛
۶. رابطه بین واقعیت و تخیل مخدوش می‌شود؛
۷. ناهمخوانی زمانی و زمان‌پریشی در متن داستان ایجاد می‌شود؛
۸. عدم وجود محور مرکزی برای وحدت‌بخشی حوادث و شخصیت‌های تاریخی؛
۹. تفسیر تاریخی با استعانت از زبان بلاغی در داستان تاریخی، شامل اسطوره‌سازی و داستان‌پردازی می‌شود.

### ۳. تحلیل داستان «خون خورده» براساس نظریه فراتاریخ «هایدن وایت»

#### ۳-۱. از هم‌گسیختگی حوادث تاریخی و پیرنگ‌سازی نویسنده در هر روایت:

پیرنگ داستان «خون خورده» طبق تقسیم‌بندی وایت در نوع تراژیک یا «پایان فجیع» قرار می‌گیرد. «البته وایت معتقد است

که آبرونی می‌تواند فقط به‌خاطر تغییر دیدگاه نویسنده داستان را از وضعیت تراژیک به وضعیت کمیک (طنز) تبدیل کند» (white.1973.p54).

روایتی از هم‌گسیخته و مملو از خرده‌روایت‌هایی است که در کنار هم به اتصال کلی می‌رسند. اولین الگویی که با نظریه وایت در این داستان ارتباط نزدیکی دارد از هم‌گسیختگی حوادث تاریخی است. ابتدای داستان بارنگ و طرح زمینه منحصر به فرد نویسنده آغاز می‌شود؛ «اولش خون بود» (یزدانی خرم، ۱۳۹۹: ۹). سپس از رنگ به توصیف طبیعی حادثه می‌پردازد. با ورود شخصیت «روح خبیث خال‌دار» و «شاعر آزادی‌خواه» گسستگی حادثه رخ می‌دهد.

«روح خبیث خال‌دار بی‌حوصله سر چرخاند و به شاعر آزادی‌خواه گفت: چون کمه» (همان: ۱۰).

نویسنده از یک واقعه حقیقی به دو شخصیت تاریخی نقب می‌زند و آن‌ها را در جایگاه دو راوی، دو شاهد و دو شخصیت اصلی داستان می‌گنجانند. نویسنده از واژه «روح» استفاده می‌کند که خود بار تاریخی دارد. فردی که مرده و به تاریخ پیوسته است. این گسستگی دوباره خود را نشان می‌دهد آنجایی که نویسنده به سراغ شخصیت تاریخی دیگری به نام «صلاح‌الدین ایوبی» می‌رود.

ابوالمظفر، صلاح‌الدین یوسف بن ایوب بن شادی بن مروان بن یعقوب دؤینی تکرینی ملقب به صلاح‌الدین ایوبی مؤسس دولت ایوبیان در مصر و شام، در سال ۵۳۲ هجری قمری در تکریت عراق متولد شد. وی از گُردهای مسلمان بود. که قدرت او سرزمین‌های مصر و شام و شمال عراق و یمن و حجاز را در بر گرفت. وی پیش از رسیدن به سلطنت، در دمشق ملقب به صلاح‌الدین گردید سپس در مصر ملقب به «الملک الناصر» گردید. او توانست اغلب سرزمین‌های پادشاهی بیت‌المقدس و شهر قدس را آزاد سازد و این باعث آغاز جنگ سوم صلیبی به فرماندهی پادشاه فرانسه و انگلستان و آلمان گردید. (شاندور<sup>۱</sup>، ۱۳۷۵: ۱۳۳) نویسنده مفهوم «فتح» را با ورود ایوبی در متن خلق می‌کند. «صلاح‌الدین ایوبی سر بر گردانده بود سمت گنبد و دست بالا آورده بود تا سکوت شود» (یزدانی خرم، ۱۳۹۹: ۲۰). حوادث تاریخی در داستان «خون خورده» به ترتیب در میان متن خودنمایی می‌کنند. در داستان برادر اول که نام ایوبی چندین بار تکرار می‌شود؛ ماجرای جنگ تحمیلی نیز در حادثه کشته شدن ناصر وجود دارد. این حادثه در زمان جنگ ایران و عراق رخ می‌دهد و نویسنده با آگاهی این مسأله را در داستان می‌گنجانند. «آبادان، محاصره. شکست. رادیو» (همان: ۲۶). البته باید اذعان نمود که ردپای جنگ در جریان کشته شدن تمام برادران سوخته در داستان به‌نوعی یادآوری می‌شود. نباید فراموش کرد که حوادث جنگ همراه با حوادث تاریخی دیگر نیز توأمان در داستان به‌وفور دیده می‌شود. آنجایی که نویسنده ماجرای ترورهای سیاستمداران در دهه شصت را می‌گوید. نویسنده در میان ماجراجویی‌های شخصیت‌های خیالی خود، موضوع ترور را با هوشمندی در داستان درج می‌کند.

«ساک را در صندوق عقب رنو گذاشته بود. به‌خاطر ترورها هر ساک دستی را می‌شد عامل یک

بمب‌گذاری احتمالی دانست» (همان: ۵۱).

داستان برادر دوم «مسعود سوخته» در میان جنگ رخ می‌دهد و در همان‌جا نیز کشته می‌شود. بینش تاریخی یزدانی خرم در هر رویداد تاریخی که در کتاب خود آورده از نگاه کاملاً بی‌طرفانه وی سرچشمه می‌گیرد؛ او در هیچ‌یک از قسمت‌های حوادث تاریخی قضاوت نمی‌کند؛ حتی در نوشتن ماجرای جنگی که در پی آن قهرمانش کشته می‌شود و آن را ناشی از حادثه می‌داند و این ترکیب حادثه با تاریخ اجتناب‌ناپذیر در طول جنگ در همه سطور دیده می‌شود. تاریخ عینی با تاریخ

1 . Sandor,A

تفسیری از منظر مؤلف می‌تواند به بازسازی ذهنی منجر گردد.

«هنگامی که از عینیت سخن می‌گوییم یک یا دو تا از دو معنای مرتبط این مفهوم را در نظر داریم  
معنای تجربی مطابقت با واقعیت و معنای عقلانی قابل پذیرش برای هر شخص معقول و خردمند»  
(استفورد، ۱۳۹۲: ۹۹).

شاید از همین روست که یزدانی خرم با قضاوت نکردن در حوادث تاریخی، خود را ذاتاً یک راوی نشان می‌دهد. زمان پریشی و گسستگی حوادث که در هر کلان‌روایت پنج‌گانه داستان دیده می‌شود گردش چندین حادثه تاریخی را در یک برهه به صورت پی‌درپی نشان می‌دهد. نویسنده از فتوحات «صلاح‌الدین» به لشکر ۷۷ خراسان و اسارت زنان در آبادان نقب می‌زند. این مغایرت سبب آشفتگی زمانی رمان می‌شود که نویسنده به عمد این هنجارگریزی را در داستان خود گنجانده است. در داستان برادر سوم «منصور سوخته» روایت از بیروت آغاز می‌شود شهری که در دوران جنگ تحمیلی یکی از مراکز درگیری نیروهای ایرانی و اسرائیل بود. منصور سوخته، عکاسی است که به امید شهرت و پیشرفت به بیروت سفر کرده است. خاطراتی که منصور سوخته در ذهن خود مرور می‌کند از زبان خود و به صورت درون‌گویی در داستان، خود را نشان می‌دهد. ابتدا راوی از عکاسی او در «شهر نو» در سال ۱۳۵۸ می‌گوید؛ زمانی که عکسی از فاحشه معروف «پری بلنده» گرفته بود. عکسی از دادگاه محاکمه او و دو تن دیگر از زنان روسپی و در پایان هم از مراسم اعدام این سه تن عکس‌های ماندگاری گرفته بود. این واقعه تاریخی در همان سال در تهران برگزار شده بود، زمانی که «سکینه قاسمی» معروف به «پری بلنده» به جرم مفسد فی‌الارض بودن به همراه دو تن دیگر در تهران اعدام گردید. پرتاب تاریخ از سویی به سویی دیگر در این رمان سبب آشفتگی زمانی و گسیختگی حوادث تاریخی می‌شود. نویسنده از ماجرای اجتماعی به ماجرای سیاسی و جنگی در حال رفت‌وآمد است. حکایت برادر چهارم «محمود سوخته» دانشجوی ۲۲ ساله‌ای که در ایران اتفاق می‌افتد، اما تاریخ حقیقی این برادران سوخته را رها نمی‌کند. تفاوت او با برادرانش در این است که او نمرده است، فقط ناپدید می‌شود. نویسنده در ابتدای حکایت این برادر به مسأله فعالیت‌های حزب توده و مجاهدین می‌پردازد.

«تاریخ، بارها دختران مبارزی را به خود دیده که با اسپری قرمز و شابلون ژلاتینی شمایل‌های استالین و  
لنین و مارکس می‌اندازند روی دیوارهای پرنقش اطراف دانشگاه تهران» (یزدانی خرم، ۱۳۹۹: ۱۷۵).

این همان گردش حادثه است که واقعه‌ای تاریخی در میان واقعه‌ای دیگر در حال رخ دادن است. نویسنده قهرمان‌های خود را قربانی حزب توده می‌داند و هرگز از اینکه ماجرای واقعی را به شخصیت‌های خیالی خود نسبت دهد، نمی‌هراسد. ماجرای محاصره کلیسای «مسروپ» در مشهد که به منافقان نسبت داده شده بود و حادثه تیراندازی که در آن چند نفر به شلیک گلوله کشته می‌شوند. نویسنده ماجرای مربوط به جنگ و سیاست را با ترکیبی از زندگی شخصی قهرمانان و گریز آنان از زندگی کنونی خود که به نوعی درگیر تاریخ اجتماعی کشور خود شده‌اند، به شکلی زنجیروار به هم متصل می‌کند و همیشه یک سمت این زنجیره به یکی از این برادران ختم می‌شود. تاریخ سیاسی و اجتماعی باهم ترکیب شده و جریانی بسیار وسیع را با تأکید بر زندگی روزمره مردم عادی به یک تاریخ چندوجهی تبدیل می‌کند. البته باید این را هم در نظر گرفت که در تاریخ سیاسی نمی‌توان تاریخ اجتماعی را به کنار نهاد، بلکه هدف نویسنده آن است که این تاریخ کمتر در کانون توجه قرار گیرد. روایت پایانی مربوط به کوچک‌ترین برادر «طاهر سوخته» است که در کودکی بر اثر بی‌احتیاطی دایی خود در سد لتیان سقوط کرده، کشته می‌شود. اما نویسنده از مدخل مرگ «طاهر سوخته» به حادثه تاریخی سقوط

موشک و عمل نکردن آن در کلیسایی در نارمک اشاره می‌کند. ماجرا باز هم در دوره جنگ و موشک‌باران تهران اتفاق می‌افتد. حتی قربانی شدن این کودک نیز، خود جزئی از تاریخ جنگ محسوب می‌شود؛ زیرا در همان سال مرگ این کودک در روزنامه کیهان با عنوان «سد لتیان در زمستان هم قربانی گرفت» چاپ گردید. نویسنده در میان صفحات کتاب با آوردن برگ‌هایی از همین روزنامه به حقیقی بودن حوادث کتاب خود استناد می‌کند.



پیرنگی که از فرجام هر قهرمان در روایت‌ها دیده می‌شود. براساس ماجرای حقیقی است که در یک داستان رئالیستی می‌تواند پیرنگ آن را به رمانی رئالیستی - تاریخی تبدیل کند.

«آنچه بیش از همه رمان تاریخی را به تاریخ نزدیک می‌کند، ابتدای آن بر رئالیسم و سنت رئالیستی است. عناصر تجربیات عادی و روزمره از بسیاری جهات در رمان‌های رئالیستی بسیار مشهود است. اکثر توصیف‌ها در رمان‌های تاریخی صیغه رئالیستی دارد» (ویلیامز، ۱۳۸۹: ۸۱).

بنابراین پیرنگ‌سازی نویسنده براساس وقایعی صورت می‌گیرد که در جامعه محافظه کارانه یا رادیکال می‌تواند رخ دهد و نویسنده از تعارض میان این وقایع به‌نوعی داستان دست می‌یابد که کاملاً با حوادث تاریخ منطبق می‌گردد.

«در پیرنگ داستان تراژدی حوادث به دلیل ماهیت انتزاعی خود در میان درگیری خیر و شر ناچار به قبولی سرنوشت و امر مقدر شده می‌شوند» (White, 1973, p. 96).

فرجامی که در پایان هر روایت در این رمان دیده می‌شود، بر پایه نظامی شکل گرفته در اجتماع و شخصیت‌های داستان، زاینده ایدئولوژی حاکم بر جامعه هستند.

### ۲-۳. حضور شخصیت‌ها و مکان‌های واقعی در کنار شخصیت‌های خیالی

داستان «خون خورده» در نمایش حقیقت تاریخی به‌مثابه پیامدهای نوعی سبک ادبی به‌شمار می‌رود. در این رمان تکنیک‌های خودآگاه بسیاری دیده می‌شود که امروزه هر نویسنده پست‌مدرنی از آن بهره می‌برد. تکنیک آوردن شخصیت‌هایی که توجه خواننده را از جهت ویژگی‌های فردی جلب می‌کند و این خود به‌نوعی نشان‌دهنده سبک ویژه هر نویسنده محسوب می‌شود. به‌عنوان مثال شخصیت‌های رمان هر کدام به‌نوعی در حال فرار از موقعیت اجتماعی خود هستند. پس عنصر «فرار از خود کنونی» در آنان به این معناست که این شخصیت‌ها می‌خواهند واقعیات ناخوشایند را از زندگی

خویش حذف کنند. در حقیقت این قسمت داستان نشان‌دهنده این است که واقعیت زندگی این افراد به شکلی «ذهنی» و «سوئزکتیو» بر ساخته شده است، اما از آنجا که این رمان به شکلی پسامدرنیستی روایت شده، این ویژگی را نشان می‌دهد که متن داستان به دنبال نشان دادن حوادث حقیقی تاریخی کنار شخصیت‌های خیالی نویسنده است و روایت داستان همگی سازه‌های کلامی از زبان نویسنده‌اند. در «خون خورده» مخاطب با کلان‌روایت‌ها و خرده‌روایت‌های متعددی روبه‌روست و این بدان معناست که هر خرده‌روایت نیز درون خود تعدادی شخصیت نهفته دارد. چهارچوب مغشوش داستان که در میان خرده‌روایت‌ها محصور شده، آشوب داستان را دوچندان می‌کند، اما آنچه در داستان «یزدانی خرم» بیشتر از همه معین است ارتباط همه کلان‌روایت‌ها با یکدیگر است که همان زنجیره برادری این پنج شخصیت اصلی داستان است. تمامی شخصیت‌های اصلی داستان در کنار خود با شخصیت‌های حقیقی تاریخی مواجه می‌شوند. در روایت اول در داستان «ناصر سوخته» دو شخصیت حقیقی در جریان داستان قرار گرفته است: ۱- بهرام صادقی در کافه.

«بهرام صادقی با چشم‌هایی گم‌منتظر بود و دست به چای مقابلهش نمی‌زد. مریم چند باری سعی کرد

نگاهش را گره بزند به نگاه نویسنده لاغر، که نتوانسته بود» (یزدانی خرم، ۱۳۹۹: ۳۷).

آنچه در این قسمت بیشتر جالب توجه است نگاه نویسنده به شکل ظاهری «بهرام صادقی» است که صفت «لاغری» را برایش در نظر گرفته است. آوردن صفتی ویژه برای نویسنده مشهور به‌مثابه عملی قانع‌کننده برای مخاطب به حساب می‌آید تا میزان حقیقی بودن ماجرا را به خواننده افشاء کند. از نظر وایت «هر شخصیت در یک روایت تاریخی نشان‌دهنده آن فرد از طبقه‌ای خاص است که مفهوم اساسی ایدئولوژی فردی او را در مرکز توصیفات راوی قرار می‌دهد» (White, 1973, p.95).

آوردن نام بهرامی در کنار شخصیت «مریم» دیدگاه نویسنده را نشان می‌دهد که شخصیت‌های خود را در طبقه فرهیختگان قرار می‌دهد.

«شخصیت‌های فردی با ایدئولوژی حاکم بر جامعه، مخلوط شده و ذوب می‌شوند و یک تناقض

نامطبوع به وجود می‌آورند؛ اتحاد این دو در گرو استقلال دیگری است. این اتحاد سبب تهییج و تشکل

یک هماهنگی در جامعه می‌شود، بدون اینکه یکی بر دیگری مسلط شود» (همان: ۱۷۴).

این نظر نشان‌دهنده این است که در داستان «خون خورده» ترکیب شخصیت‌ها و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، مجموعه‌ای در داستان را شکل می‌دهد که به‌عنوان یک کل محسوب می‌شود، اما به‌صورت انحصاری شخصیت‌ها را در مسیر حوادث تاریخی قرار می‌دهد و همین حادثه تاریخی، جریان زندگی فرد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در داستان دوم «مسعود سوخته» شخصیت «محمد جهان‌آرا» که یکی از فرماندهان مشهور در زمان دفاع مقدس در خرمشهر بود؛ دیده می‌شود.

«ابوالحسن را جهان‌آرا فرستاده بود. می‌دانست مسعود و او و سیاوش کنار هم در سوسنگرد

جنگیده‌اند» (یزدانی خرم، ۱۳۹۹: ۱۶).

در جایی دیگر مرآده شخصیت داستان با «مهدی اخوان ثالث» و «لیلی گلستان» وجود دارد.

«شعری نوشته بود برای اخوان ثالث و فرستاده بود برایش و بعد اخوان بالای کاغذش چیزی قلمی

کرده بود. رفته بود دروس و از خود لیلی گلستان امضاء گرفته بود» (همان: ۱۶).

اینکه جهان‌آرا شخصیت اصلی داستان را می‌شناسد و حتی گذشته او را می‌داند، یا امضا گرفتن و مکاتبه با اخوان ثالث،

همگی امری است که بر واقعیت‌انگاری ماجرا صحنه می‌گذارد، فضاهایی که در داستان وجود دارد نیز این حقیقت تاریخی را پررنگ می‌کند. مکان‌هایی مانند «آبادان» محلی که مسعود بارها در آنجا جنگیده بود. «سوسنگرد» جایی که با سیاوش هم‌رزم بود. محله «دروس» که محل زندگی لیلی گلستان بود. در روایت سوم داستان «منصور سوخته» یکی از شخصیت‌های حقیقی که ارتباط مستقیم با قهرمان دارد، زن روسپی به نام «سکینه قاسمی» ملقب به پری بلنده است که منصور از لحظه اعدام او عکاسی کرده است.

«منصور شبی در تیرماه سال ۱۳۵۸ یک عکس مهم گرفت. عکسی از فاحشه مشهور شهر نور. معروف‌ترینشان کسی بود به نام سکینه قاسمی، وقتی با چادر و چهره تکیاده نشست روی صندلی و زنی داد کشید: پری بلنده آخر خطه» (همان: ۱۲۵).

صحنه اعدام این زن برای قهرمان داستان یک اتفاق نادر است؛ زیرا او تنها کسی است که از مرگ این زن مشهور یک عکس ماندگار انداخته و از نظر نویسنده این بدان معناست که این اتفاق سوژه‌ای است که ده‌ها سال می‌تواند بر سر زبان‌ها باشد. در کنار نام این زن نام‌های دیگر و مکانی به نام «کازینو تهران پارس» نیز در داستان آمده که همگی وجود حقیقی در تاریخ بعد از انقلاب داشتند (روزنامه کیهان: ۲۱ تیر ۱۳۵۸/ شماره ۱۰۷۵۵).

یکی از مکان‌هایی که در داستان به آن اشاره شده محل «رأس الحسین» است محلی در شهر حلب کشور سوریه، مکان مقدسی که سر مبارک امام حسین (ع) به هنگام انتقال از کربلا به دمشق در آنجا، بر روی سنگی قرار داده شده و چند قطره از خون سر سیدالشهدا (ع) بر آن سنگ جاری شده است. منصور قرار بود به آنجا برود و از آن مکان عکس برداری کند.

«اصلاً نمی‌دانم رأس الحسین کجاست؟ منصور سوخته نمی‌دانست. بعلبک، کنار کاخ فروریخته رومیان باستان» (همان: ۱۳۴).

در روایت چهارم داستان «محمود سوخته» یکی از شخصیت اصلی داستان «تهمینه» که ارتباط مستقیم با محمود دارد در مکانی حقیقی روبه‌روی دانشگاه تهران بر دیوارها نقش حمایت از کمونیسم را با اسپری رنگ می‌زند.

«روی دیوارهای پرنقش اطراف دانشگاه تهران و این کار تهمینه بود. دانشجوی بلاتکلیف علوم سیاسی که تصمیم گرفته بود به حزب توده بپیوندد» (همان: ۱۷۵).

در جایی دیگر، مکان «کلیسای مسروپ» از کلیساهای تاریخی شهر مشهد است که محل اختفای قهرمان داستان است. ماجرای لو رفتن منافقان پنهان‌شده در این کلیسا نیز حقیقت تاریخی دارد و یزدانی خرم با علم بر این حقیقت از این کلیسا نام‌برده و شخصیت‌های خیالی خود را در یک مکان حقیقی قرار داده است.

«از صبح در دفتر فرماندهی قرار و مدارمان را گذاشته بودیم دو ماهی می‌شد شده بودم سرتیم گشت ضد منافقین و از بچه‌های عملیات بودم. یکی از فدایی‌ها اعتراف کرده بود که توی کلیسای مسروپ چیزهایی هست که او هم دقیق نمی‌داند» (همان: ۲۲۰).

### ۳-۳. زبان بلاغی (مجاز، استعاره، کنایه و آبرونی) در داستان «خون خورده»

آنچه زبان نویسنده را از حقیقت محض به تخیل می‌کشاند زبان بلاغی و تخیل نویسنده است که با استعانت از هوش و خودآگاهی خود حوادثی را در داستان خلق می‌کند که حقیقت ماجرا را مخدوش می‌سازد. از نظر وایت

«بخش پیچیده زبان، زمانی است که نویسنده از زبان حقیقی و عادی به زبان بلاغی و مجازی نقب

می‌زند و اینجاست که تمیز میان حقیقت و خیال دشوار می‌شود» (White, 1973, p. 32).

آیرونی، مجاز و مجاز مرسل از انواع بلاغت در زبان هستند، اما از نظر تأثیرگذاری در زبان و با توجه به انواع تصویرسازی‌هایی که در سطح مجازی انجام می‌دهند، متفاوت از یکدیگر به نظر می‌رسند. استعاره تهکمیبه اساساً به نمایندگی از آیرونی و مجاز مرسل به نوعی به منفی‌سازی کنایی منجر می‌شود (همان: 35). «ادبیات داستانی ماهیتی مجازی دارد و اگر به سوی قطب استعاری جابه‌جا شود، آنگاه تبدیل به شعر می‌گردد» (لاج، ۱۳۹۴: ۶۷). آنچه بیش از همه به آیرونی کردن داستان «خون خورده» دامن می‌زند این است که این داستان هم مثل همه داستان‌های تاریخی دیگر از شخصیت‌های خیالی در حوادث حقیقی تاریخی بهره می‌گیرد. مکالمه روح خبیث و روح شاعر آزادخواه نمونه‌ای از داستانی آمیخته با طنز و حتی عدم قطعیت در متن است که داستان را خلاف توقع و طنزآمیز جلوه می‌دهد. از نظر وایت

«علت آوردن طنز در یک داستان تاریخی تأکید بر آن است که هرگز نمی‌توان به حقیقت‌های تاریخی

دست یافت» (همان: ۱۴۵).

یکی دیگر از جلوه‌های آیرونی در این داستان به هم ریختن توالی زمانی در آن است. در هر کلان‌روایتی که مربوط به برادران «سوخته» در داستان می‌رسیم نامی دوباره از «صلاح‌الدین ایوبی» با نام‌های استعاری «فاتح اورشلیم» و «رهبر مسلمین» مواجه می‌شویم که راوی تماماً به صورت مداوم و خارج از زمان طولی داستان در روایت خود گنجانده است.

«از پرتاب آخرین گلوله سرخ منجنیق چند ساعت گذشته بود. سرباز خراسانی را آورده بودند به

اردوگاه تا صلاح‌الدین درباره‌اش تصمیم بگیرد، در زندانی موقت که نزدیک یکی از منجنیق‌های عقبی

بود» (یزدانی خرم، ۱۳۹۹: ۱۵۳).

در این قسمت داستان که مربوط به اسارت «منصور سوخته» در لبنان است، نویسنده تلویحاً با آوردن نام زندان و نام صلاح‌الدین ایوبی به نوعی سرنوشت منصور را که در لبنان - سرزمین کهن اورشلیم که بارها در داستان به آن اشاره شده است - به زندان افتاده، قصد دارد تا این ارتباط تاریخی را با شخصیت اصلی داستان به صورت کنایی و در یک تناقض زمانی درآمیزد. در واقع این به هم ریختگی زمانی در متن داستان، نوعی متناقض‌نما را ایجاد نموده است که خود جلوه‌ای از آیرونی محسوب می‌شود؛ زیرا در اینجا مرز میان تخیل و واقعیت مخدوش می‌گردد. گاهی نویسنده از زبان جسم بی‌جانی حرف می‌زند که خود سندی بر یک واقعه تاریخی است.

«موشک پنج‌متری شده هیچ‌گاه نفهمید چرا عمل نکرد و نتوانست. در بخش انتهایی موزه دفاع مقدس

تهران، لاشه موشک که مدت‌هاست شروع به زنگ‌زدن کرده زیر گردوخاک فرورفته» (همان: ۲۶۶).

نویسنده ماجرای عمل نکردن موشکی را بیان می‌کند که در دوران جنگ در چندین محل تهران رخ داده بود و راوی با زبانی استعاری عمل «نتوانستن» را تقریباً در اواخر داستان مطرح می‌کند تا به مخاطب نشان دهد که تمام قهرمانان داستانش هر کدام هدف غایی داشتند که نتوانستند به آن دست یابند همانند همان موشکی که عمل نکرد. طبق گفته نویسنده «و تاریخ پر است از موشک‌های عمل‌نکرده‌ای که رهاشده‌اند» (همان).

این موشک‌های رهاشده مجازاً همان افرادی هستند که در طول تاریخ خواستند و نتوانستند. نباید فراموش کرد که نویسنده از همان ابتدای رمان، از رنگ قرمز به عنوان یک استعاره برای جایگزینی مفهوم مرگ استفاده می‌کند.

«اولش خون بود. خونی که آرام و کند راه باز می‌کرد وسط زمختی آسفالت خیابان» (همان: ۹).

رنگ می‌تواند نشانه‌ای ماندگار در طول داستان قلمداد شود. لذت زیبایی‌شناسانه هر خواننده همراه با تألم در طول داستان می‌تواند رابطه درونی تخیل و میزان حقیقی بودن حادثه را تقویت کند. از طرفی گفتمان نقادانه فرهنگی و اجتماعی حاکم در داستان با معانی برساخته شده از سمت خواننده می‌تواند تصویری گویا از گرایش فکری نویسنده را انتقال دهد.

#### ۴. نتیجه‌گیری

در یک داستان تاریخی برگرفته از تخیل نویسنده، داستان گزاره‌ای مشتمل بر ارجاع صادقی است که نویسنده با توجه به دانش و مدارک تاریخی، آن را برساخته نموده است. با توجه به عناصری که در مقاله به آن پرداخته شد، باید گفت که داستان «خون خورده» داستانی است که مستقیماً به حقیقتی ارجاع نمی‌کند؛ بلکه فقط با تخیل نویسنده به آن ارجاع تظاهر می‌کند. البته این را هم باید در نظر گرفت که روابط شخصیت‌ها و مکان‌های حقیقی که در داستان وجود دارد ادله‌ای هستند که می‌توانند با پیکربندی هدفمند تناسب میان حقیقت و تخیل را ایجاد نمایند. آنچه در رمان «خون خورده» اهمیت دارد نگاه منتقدانه نویسنده است که از طریق کنایه و گاهی استعاره و مبالغه، توانسته تصویری روشن و عینی از شخصیت‌ها و رویدادها در متن بگنجانند تا ذهن مخاطب را برای پذیرفتن تاریخی و مستندبودن آن اقناع سازد. نویسنده به صورت «خودآگاهانه» بر صحنه‌گذاران حوادث تاریخی که در روایت خود آورده، مشتاق است. زبان تخیلی حاکم بر داستان چهارچوبی از جهانی را تصور می‌کند که در آشفتگی زمانی به سر می‌برد، اما زمینه و بافت آن حقیقی و تصورپذیر است. شخصیت‌های داستان واقعی نیستند، اما در جهان راوی به شکلی حقیقی زندگی می‌کنند و هر یک با فرجام خود ذهن خواننده را مغشوش می‌سازند. داستان «خون خورده» علاوه بر درج حوادث تاریخی، فرصت فهم‌پذیری و افاده لذت و تأثر از تاریخ را هم برای مخاطبان فراهم کرده است و این بدان معناست که نویسنده به شیوه مناسبی از شگرد تخیل در کنار حقیقت بهره برده است. هر پنج برادر سوخته که در داستان حضور دارند به نوعی با حوادث جنگ در ارتباط هستند تا جایی که مرگ هر کدام با عنصری از جنگ تحمیلی رقم می‌خورد. درنهایت باید گفت هیچ تاریخ و هیچ روایت تاریخی به تنهایی قادر به تشریح رویدادهای اجتماعی و سیاسی یک دوره خاص نیست؛ زیرا چیزی به عنوان یک مفهوم یکپارچه و هیچ تعریفی از تاریخ به عنوان یک معنای جهان‌شمول در متن وجود ندارد. در این داستان نیز، نویسنده با برخورداری از اطلاعات جامع خود از حوادث جنگ، با استعانت از تخیل پویای خود به بازنمایی مجدد حوادثی پرداخته است که می‌تواند میزان صحت آن واقعه را دوچندان سازد.

#### فهرست منابع

- استنفورد، مایکل. (۱۳۹۲). *درآمدی بر فلسفه تاریخ*. ترجمه احمد گل محمدی، چاپ ششم. تهران: نی.
- بصیری، عباس. (۱۳۹۹). «تاریخ صدر اسلام در جریان نوگرایی مسلمان مصر با مطالعه موردی آثار عباس محمود العقاد». *مطالعات تاریخ اسلام*، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، صص ۶۳-۹۲.
- بصیری، عباس؛ جعفریان، رسول. (۱۳۹۹). «بازنمایی تاریخ صدر اسلام در آثار و افکار شیخ محمد الغزالی مصری». *پژوهش‌های علوم تاریخی*، دوره دوازدهم، شماره بیست و سوم، صص ۲۵-۴۶.
- پاول، هرمان. (۱۳۹۹). *هایدن وایت*. ترجمه محمد غفوری. تهران: آوند دانش.



- پاینده، حسین. (۱۳۹۳). *داستان کوتاه در ایران*، ج سوم، چاپ دوم. تهران: نیلوفر.
- پیروز، غلامرضا؛ رضوانیان، قدسیه؛ ملک، سروناز. (۱۳۹۲). «فرداستان تاریخ نگارانه مطالعه موردی: مارمولکی که ماه را دزدید». *ادب پژوهی*، شماره بیست و هفتم، صص ۱۸۶-۱۶۳.
- تایسن، گیس. (۱۳۹۴). *نظریه‌های نقد ادبی معاصر*. ترجمه مازیار حسین زاده، فاطمه حسینی، چاپ سوم. تهران: قلم امروز.
- جعفریان، رسول؛ لواسانی، سیدرضا. (۱۳۹۳). «داستانی کردن تاریخ در کتاب تاریخ نیل زرنندی». *پژوهش‌های علوم تاریخی*، شماره دوم، صص ۵۸-۳۹.
- حاتمی، امیرحسین. (۱۳۹۸). «تحلیل و بررسی بازنمایی تاریخ اجتماعی در رمان تاریخی بر مبنای دیدگاه جورج لوکاج». *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، شماره یکم، صص ۶۸-۴۳.
- شاندور، آلبر. (۱۳۷۵). *صلاح الدین ایوبی*. ترجمه محمد قاضی، چاپ چهارم. تهران: قیام.
- صیامیان گرجی، زهیر؛ حیدری‌نسب، فرزاد. (۱۳۹۳). «بررسی انتقادی بازنمایی شخصیت ابن مقفع در روایت تاریخ‌نگاری ملی گرایانه عصر پهلوی». *مطالعات تاریخ فرهنگی*. *انجمن ایرانی تاریخ*. سال ششم، شماره بیست و دوم، صص ۹۸-۷۷.
- عباسی، حبیب‌الله؛ عظیمیان چشمه، الهه. (۱۳۹۵). «مغلطه تأثیر عاطفی در بازنمایی تاریخ. نگرشی انتقادی بر تاریخ‌نگاری شهاب‌الدین نسوی در سیرت جلال‌الدین و نفثه المصدور». *متن پژوهی ادبی*. سال بیستم، شماره ۶۷، صص ۳۵-۷.
- فالور، راجر و دیگران. (۱۳۹۴). *زبان‌شناسی و نقد ادبی*. ترجمه مریم خوزان، حسین پاینده، چاپ پنجم. تهران: نی.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۷۶). *عناصر داستان*، چاپ سوم. تهران: سخن.
- وو، پاتریشیا. (۱۳۹۷). *فرداستان*. ترجمه شهریار وقفی‌پور، چاپ دوم. تهران: چشمه.
- ویلیامز، ریموند. (۱۳۸۹). *رنالیسم و رمان معاصر*. مندرج در لاج، دیوید و دیگران. *نظریه‌های رمان از رنالیسم تا پسامدرنیسم*. ترجمه حسین پاینده. تهران: نیلوفر.
- یزدانی خرم، مهدی. (۱۳۹۹). *خون خورده*، چاپ پانزدهم. تهران: چشمه.
- Doran ,R. *philosophy history after hyden white, Literature and history*. First edition, D15.W46P55 (2013).
- Hayden, W. *Metahistory. The Historical Imagination in Nineteenth-Century Europe*, the Johns Hopkins University Press (1973).
- Hayden, White. *Tropics of Discourse\_ Essays in Cultural Criticism*-The Johns Hopkins University Press (1986).
- Hayden ,White. *The Practical Past*-North-western University Press (2014).